

زندگینامه تحلیلی فردوسی

علیرضا شاپور شهبازی. تهران: هرمس، ۱۳۹۰. چاپ اول، ۱۹۹ صفحه.

دکتر آرش اکبری مفاخر^۱

کتاب *زندگینامه تحلیلی فردوسی* اثر شادروان دکتر علیرضا شاپور شهبازی (۱۳۲۱-۱۳۸۵ ش / ۱۹۴۲-۲۰۰۶ م) استاد برجسته فرهنگ و تاریخ ایران باستان^۲ است که به زبان انگلیسی با نام و مشخصات زیر به چاپ رسیده است:

Ferdosi: A Critical Biography

A. Shapur Sahbazi, Mazda Publishers, Harvard University, California, U. S. A. ۱۹۹۱.

و چاپ دوم آن در سال ۲۰۱۲ به بازار آمده است.^۳

این اثر که پس از انتشار مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و در مجلات متعدد معرفی و نقد شده است^۴، یکی از منابع مهم در بررسی زندگینامه فردوسی به شمار می آید.^۵ این

^۱ دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد. Mafakher2001@gmail.com

^۲ - نک: خطیبی، ابوالفضل، «یاد علیرضا شاپور شهبازی»، *نامه ایران باستان*، س ۵، ش ۱-۲، ۱۳۸۴ ش؛ - همو، «شاپور شهبازی، علیرضا»، *دانشنامه زبان و ادب فارسی*، ج ۴، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۱ ش، ص ۸۵-۸۸.

^۳ - www. Mazda Publishers. com

^۴ - یاحقی، محمدجعفر، «زندگینامه فردوسی و تراژدی سهراب»، *کتاب پاز*، ش ۸، ۱۳۷۲، ص ۶۷-۷۰؛ - ساکت، سلمان، «بزرگترین حماسه سرای ایران، بلندآوازه‌های پرده‌نشین»، *کتاب ماه ادبیات*، س ۱، ش ۱، ۱۳۸۶، ص ۵۷-۶۵؛

کتاب به قلم هایده مشایخ با عنوان پیشنهادی *زندگینامه تحلیلی فردوسی* در سال ۱۳۹۰ش به فارسی ترجمه شده و به وسیله انتشارات هرمس در ۱۸۹ + ده صفحه با شمارگان ۱۵۰۰ نسخه به چاپ رسیده و چاپ دوم آن در ۱۳۹۳ به بازار آمده است.^۶

کتاب، با فهرست مطالب آغاز و در شش فصل به ترتیب با عنوان‌های بررسی نوشته‌ها، پیشینه و پیشروان، دوران شکل‌گیری، تاریخ‌نگار ایران باستان، دوران شکوفایی و یادگاری جاویدان تنظیم شده است و در پایان، کتابنامه فارسی و لاتین به همراه نمایه آمده است. در نگاه نخست، روشن است که نویسنده برای نوشتن کتاب خود یک طرح ذهنی فراهم کرده و برپایه این طرح منسجم و دقیق کار خود را پیش برده است. یک نگاه اجمالی به فهرست کتاب بیانگر آن است که نویسنده برای بررسی زندگی فردوسی از منابع بنیادی و تاریخی به همراه پژوهش‌های نوین بهره برده و برای ارائه پژوهشی علمی و بنیادی همه جوانب پژوهشی از آغاز زمان فردوسی تا روزگار معاصر را در نظر داشته است.

پس از فهرست، مقدمه کوتاه مترجم آمده که در آن دکتر شهبازی ترجمه کتاب و نام‌گذاری *زندگینامه تحلیلی فردوسی* را به مترجم پیشنهاد کرده است. نویسنده، در مقدمه به این نکته مهم اشاره کرده است که وی قصد انجام پژوهشی جامع و فراگیر درباره فردوسی

- دوستخواه، جلیل، «شاهنامه‌شناسی: گامی در راستای پژوهش فرهیخته»، *ایران‌شناسی*، س ۸، ش ۴، ۱۳۷۵، ۷۷۱-۷۹۳؛

- آیدنلو، سجاد، «گزارشی دقیق از سرگذشت فردوسی»، *جهان کتاب*، ش ۲۶۸-۲۶۹، ۱۳۹۰، ص ۴۰-۳۵.

- نک: خالقی مطلق، جلال، «نگاهی تازه به زندگینامه فردوسی»، *نامه ایران باستان*، س ۶، ش ۱-۲، ۱۳۸۵، ص ۲۵.

- شهبازی، علیرضا شاپور، *زندگینامه تحلیلی فردوسی*، ترجمه هایده مشایخ، چ ۱، ۱۳۹۰؛ چ ۲، ۱۳۹۳.

و شاهنامه داشته و هدف وی ارائه گزارشی منسجم، متکی بر جزییات و مستندات از زندگی، افکار و دستاوردهای فردوسی بوده است. وی منبع اصلی پژوهش خود را متن شاهنامه چاپ مسکو معرفی کرده و از چاپ خالقی مطلق نیز در صورت در دسترس بودن بهره برده است.

بارزترین ویژگی پژوهشی اثر که شهبازی بر آن تکیه کرده، متن شاهنامه فردوسی است که طبیعتاً مهم‌ترین منبع در شناخت فردوسی و اندیشه‌های اوست، بدان امید که بتواند پژوهشی جامع و فراگیر درباره فردوسی و شاهنامه با ذکر جزئیات و استنادات ارائه دهد. نویسنده، تمام تلاش خود را برای رسیدن به این هدف به کار برده است؛ به‌درستی از عهده گزارشی دقیق از سرگذشت فردوسی^۷ برآمده و «یکی از محققانه‌ترین پژوهشها درباره فردوسی»^۸ را ارائه کرده است، به همین دلیل کتاب، «طراحی سامانمند و چهارچوبی استوار دارد و بررسی‌ها و گفتارها گام به گام پیش می‌رود و از آغاز به انجام و از درآمد به برآیند می‌انجامد»^۹.

نویسنده، برای رسیدن به سیمایی واقعی از فردوسی و زندگی وی سپهر مکانی و زمانی روزگار او را به دقت کاویده و با بررسی تمام منابع کهن و پژوهشی معاصر به زبان‌های فارسی، عربی و لاتین، روایت‌های افسانه‌ای و حقیقی را از یکدیگر مجزا نموده است، اما درباره شاهنامه نمی‌توان این کتاب را اثری جامع و فراگیر نامید؛ زیرا نویسنده به ایجاز گراییده و اثری مختصر و مفید ارائه کرده است. با این حال اگر چه کتاب اثری ممتاز و

^۷- آیدنلو، «گزارشی دقیق...»، ص ۳۵.

^۸- خطیبی، «شاپور شهبازی، علیرضا»، ص ۸۷.

^۹- دوستخواه، ص ۷۷۴.

درخشان است، اما از اشتباهات، سهوها، کم‌دقتی‌ها و یک‌سویه‌نگری -که ویژگی هر اثر انسانی است- خالی نمانده است.^{۱۰}

شهبازی در فصل اول با بررسی نوشته‌های مربوط به فردوسی از نخستین اثر یعنی *گرشاسب‌نامه* اسدی و روایت‌های نظامی عروضی در *چهارمقاله*، نویسنده *تاریخ سیستان*، حمدالله مستوفی در *تاریخ گزیده*، عطار نیشابوری در *الهی‌نامه*، مقدمه *شاهنامه* بایسنقری و ...، این مطالب را به دقت حل‌جی کرده و در روابط فردوسی و محمود، شیعه‌بودن فردوسی و انتساب یوسف و زلیخا^{۱۱} به فردوسی و «هجونا» بحث‌های دقیق و موشکافانه‌ای ارائه می‌کند. وی تا آنجا که توانسته یا احتمالاً با رویکرد گزینشی، گزارش‌های متون را جمع‌آوری کرده که در مقایسه با آثار دبیرسیاقی^{۱۲} و ریاحی^{۱۳} که هر دو با فاصله کمی از کار شهبازی منتشر شده‌اند، از جامعیت کمتری برخوردار است. شهبازی گزارش‌های تاریخی و مطالعات انجام‌شده در ساختار پژوهشی نوین - پژوهش‌های اروپایی از سال ۱۷۷۴م تا زمان خود- را معرفی و ارزیابی کرده که این گستره اطلاعات و اشراف بر مطالعات اروپاییان درباره *شاهنامه* تحسین‌برانگیز است.

^{۱۰} نک: دوستخواه، ص ۷۷۳-۷۹۳؛ آیدنلو، «گزارشی دقیق...»، ص ۳۶-۴۰.

^{۱۱} - اگرچه پیش از شهبازی نیز انتساب یوسف و زلیخا به فردوسی رد شده اما متأسفانه این اثر به نام فردوسی به چاپ رسیده و به عربی ترجمه شده‌است.

- یوسف و زلیخای فردوسی، به تصحیح حسین محمدزاده صدیق، تهران: آفرینش، چ ۱، ۱۳۶۹ش، تهران: تکدرخت، چ ۲، ۱۳۹۵؛

- *منظومه یوسف و زلیخا* ابوالقاسم فردوسی، ترجمه رمضان رمضان متولی، القاهرة، ۲۰۰۸ م.

^{۱۲} - دبیرسیاقی، سید محمد، *زندگی‌نامه فردوسی و سرگذشت شاهنامه*، تهران: نشر قطره، ۱۳۷۰ش.

^{۱۳} - ریاحی، محمدامین، *سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲ ش.

نویسنده، در فصل دوم نخست، به بررسی نام و نام خانوادگی فردوسی پرداخته و برپایه شاهنامه تخلص شاعر را فردوسی آورده است:

بـه فردوسی آواز دادی کـه مـی	مخور جز بر آیین کاوس کی ^{۱۴}
------------------------------	---------------------------------------

سپس توضیحی درباره معنای آن برپایه واژه‌شناسی زبان‌های ایران باستان آورده، اما درباره اجداد فردوسی هیچ گزارشی نداده است. خالقی مطلق در تحقیقات پس از شهبازی نام نیای فردوسی را «فرخ» آورده و برپایه این نام حدس زده است که نیای فردوسی یا پدر نیای او از دین نیاکان خود به اسلام گرویده‌اند.^{۱۵}

شهبازی گزارش خود را با معرفی دهقانان ادامه داده و موقعیت اجتماعی آنان را به خوبی توصیف کرده است. آن‌گاه با بررسی نظرات مختلف درباره عقیده دینی فردوسی، از وی با عنوان شیعه یاد کرده است. وی روایت‌های تاریخی و تاریخ‌گذاری‌های دانشمندانی چون مول و نولدکه را بررسی و تاریخ دقیقی برای زادروز فردوسی در سال ۳۲۹ق آورده است.^{۱۶} محاسبات شهبازی درباره سال تولد فردوسی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته^{۱۷}،

^{۱۴}- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۶ ش، ج ۵، ص ۷۵، ب ۳.
^{۱۵}- خالقی مطلق، «نگاهی تازه ...»، ص ۱۷.
^{۱۶}- نیز نک: شهبازی، علیرضا شاپور، «زادروز فردوسی»، /یرانشناسی، ش ۲، ۱۳۶۹، ص ۴۲-۴۷.
^{۱۷}- خالقی مطلق، «نگاهی تازه ...»، ص ۴.

اما درباره زادروز وی با انتقاداتی روبه‌رو شده است.^{۱۸} نویسنده با توصیف زادگاه فردوسی یعنی طوس، به پیشروان شاهنامه‌نویسی و شاهنامه‌سرایی از روزگار ساسانی و تدوین *خدا/ینامه*^{۱۹}، روایت‌های مختلف آن، تک‌نگاری‌هایی مستقل تا *شاهنامه* مشهور ابومنصوری و تلاش دقیقی و فردوسی برای منظوم کردن آن پرداخته است. وی جریان‌های موافق و مخالف ایران‌دوستی و ایران‌ستیزی را در فضای طوس به خوبی در کنار یکدیگر بررسی کرده و نقش آنها را در به‌وجود آمدن *شاهنامه* فردوسی کاویده است.

شهبازی در فصل سوم با پرداختن به دوران تربیت و شکل‌گیری شخصیت فردوسی به این نکته اشاره کرده که از سال‌های آغازین زندگی فردوسی اطلاعی در دست نیست و گویا او نیز همانند فرزندان خانواده‌های بزرگ تحصیلات و آموزش‌های عالی را فراگرفته است. او سپس رابطه فردوسی را با زبان پهلوی و عربی مورد بررسی قرار داده و فردوسی را از این دو زبان بی‌بهره دانسته است که نظری یک‌جانبه است؛ زیرا فردوسی که در خانواده‌ای دهقان بزرگ شده، احتمالاً با مقدمات زبان عربی آشنا بوده و از عهده درک و دریافت متون

۱۸ - مرادی غیاث‌آبادی، *زادروز فردوسی*، تهران، ۱۳۸۴ ش، ص ۹-۲۳؛

- همو: «بیست و هشت اشتباه تقویمی در دو صفحه از یک مقاله همراه با دیدگاه جلال خالقی مطلق» www.ghiasabadi.com

- نیز نک: آیدنلو، سجاد، «چو آدینه هرمزد بهمن بود ...»، *جستارهای ادبی*، ش ۱۷۴، ۱۳۹۰ ش، ص ۱-۱۴.

^{۱۹}-Shahbazi, A. Sh "On The X^waday-Namag", *Acta Iranica*, ۱۹۰۰, XVI, pp.۲۰۸-۲۲۹.

نیز نک: خالقی مطلق، جلال، «از شاهنامه تا خدای‌نامه»، *نامه ایران باستان*، س ۷، ش ۱-۲، ۱۳۸۶ ش، ص ۳-۱۱۹.

پهلوی برمی آمده است.^{۲۰} شهبازی در ادامه با استخراج ابیاتی از شاهنامه به توصیف پیکر و ویژگی‌های جسمانی فردوسی پرداخته، اخلاق و روحیات وی را در نظم‌ی دقیق و دسته‌بندی‌شده به نمایش گذاشته است. نویسنده دربارهٔ باور دینی فردوسی نظرات مختلف را در دو دسته نگرش و گرایش به زردشتی‌گری، و زروانی‌قدری‌مسلك بررسی و در نهایت وی را فردی مسلمان و شیعه معرفی کرده و پس از طرح این مباحث به اوایل زندگی فردوسی پرداخته است.

شهبازی در فصل چهارم، فردوسی را به‌درستی «تاریخ‌نگار ایران باستان» معرفی کرده است؛ زیرا در روزگار فردوسی روایت‌های مطرح شده در شاهنامه را تاریخ ایران به‌شمار می‌آورده‌اند و این روایت‌ها مورد توجه تاریخ‌نگارانی چون طبری^{۲۱}، بلعمی^{۲۲}، مسعودی^{۲۳}، ابن اثیر^{۲۴} و ... نیز قرار گرفته بوده، هر چند گاهی اوقات دربارهٔ برخی روایت‌ها با دیدی انتقادی برخورد کرده‌اند، اما فردوسی به‌جای رویکرد انتقادی به روایت‌های غیرتاریخی شاهنامه رویکردی نمادین دارد:

	تو این را دروغ و فسانه مدان	به یکسان روشن زمانه مدان	
--	-----------------------------	--------------------------	--

^{۲۰} - خالقی مطلق، «نگاهی تازه ...»، ص ۲۱-۲۲.

^{۲۱} - طبری، محمدبن جریر، تاریخ الامم و الملوک، تاریخ الطبری، تصحیح محمدابوالفضل ابراهیم، بیروت، ۱۳۸۷ ق.

^{۲۲} - بلعمی، ابوعلی، تاریخ، تصحیح محمدتقی بهار، تهران، ۱۳۸۰ ش.

- همو، تاریخ‌نامه طبری، تصحیح محمد روشن، تهران، ۱۳۷۸ ش.

^{۲۳} - مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، به‌کوشش شارل پلا، ۱۹۶۵.

^{۲۴} - ابن اثیر جزری، الکامل فی التاریخ، بیروت، ۱۳۸۵ ق.

	ازو هرچه اندر خورد با خرد	دگر بر ره رمز معنی برد ^{۲۵}	

پس از آن، شهبازی با بررسی دقیق شیوه سروده شدن شاهنامه از آغاز داستان بیژن و منیژه تا سرودن شاهنامه/بومنصوری، به تنظیم نخستین شاهنامه در سال ۳۸۴ق رسیده است. وی فصل پنجم را با تحولات سیاسی پس از سال ۳۸۴ق آغاز و به شرح بازنگری و گسترش محتویات شاهنامه ازسوی فردوسی پرداخته است و کفاف عمر و منابع مالی را مهم‌ترین نگرانی شاعر می‌داند. اگرچه سامانیان سقوط کرده‌اند و فردوسی حامیان قدرتمند خود را از دست داده، همچنان امیدوار است که محمود غزنوی فرد شایسته‌ای برای تقدیم شاهنامه باشد؛ از این رو فردوسی در این دوران به‌سوی محمود گرایش می‌یابد. نویسنده با بررسی‌های خود تاریخ سرودن داستان‌های سیاوش و انوشیروان را روشن کرده، سپس به دوره پیری، ناتوانی جسمی، تنگدستی و مرگ فرزند فردوسی پرداخته است.

رابطه فردوسی و سلطان محمود بخش مهمی از پژوهش شهبازی است که در آن چگونگی تقدیم شاهنامه به محمود و دلایل انتخاب این دو بررسی شده است. کاوش در سال‌های آخر عمر فردوسی و بی‌مهری‌های دربار غزنوی نسبت به شاعر در ادامه این پژوهش آمده است. نویسنده مطالب هجونه را به دلیل ستایش‌های پیشین فردوسی از محمود جعلی خوانده است، اما به این نکته توجه نکرده که ستایش‌های فردوسی از محمود مربوط به دوران امیدواری فردوسی و هجونه مربوط به دوره آزدگی وی از پادشاه

^{۲۵}- فردوسی، ج ۱، ص ۱۲، ب ۱۱۳-۱۱۴.

غزنوی است، از این رو نمی‌توان با قاطعیت کلیت هجونا‌مه و ابیات محکم باقی‌مانده از آن را جعلی دانست.^{۲۶} مرگ و خاکسپاری فردوسی آخرین مطلب این بخش است.

پس از مرگ فردوسی، پژوهش شهبازی در فصل ششم به معرفی شاهنامه رسیده است. وی در این فصل شاهنامه را یادگار جاودان فردوسی خوانده و در سه بخش اساطیری، پهلوانی و تاریخی خلاصه‌ای بسیار کوتاه از آن ارائه کرده است، سپس آرمان‌ها و اهداف فردوسی را در شش بند: بازنویسی تاریخ باستان در قالب شعر، دفاع از ایرانیان باستان، به وجود آوردن یادگاری جاودان، بیدار کردن ملی‌گرایی ایرانیان، شهرت و حیثیت شخصی و درس‌های تاریخی پرداخته است، آن‌گاه ویژگی‌های شاهنامه را در چهار بند: تاریخ ملت ایران، به‌کارگیری منابع و پیروی دقیق از آنها، پرهیز از اسلامی کردن، و تأثیر قالبهای شعری بررسی کرده و کتاب را با ستایشی از روبن لوی^{۲۷} درباره شاهنامه به پایان برده است.

نویسنده در فصل ششم کتاب، که آن را به معرفی شاهنامه اختصاص داده -برخلاف پنج فصل پیشین که در نهایت دقت به جزئیات و نقد و بررسی گزارش‌ها پرداخته- با نگاهی بسیار اجمالی، به کلی‌گویی روی آورده است و روش علمی و تحقیقی فصل‌های دیگر را ندارد. نکته مهم قابل نقد دیگر در این بخش آن است که شهبازی شاهنامه را مجموعه رویدادهای تاریخی و تاریخ ایران معرفی کرده که این داوری درباره مطالب شاهنامه از نگاه

^{۲۶}- نظامی عروضی، چهارمقاله، تصحیح محمد قزوینی، به کوشش محمد معین، ۱۳۳۱ش، تهران: زوار، ص ۷۴-۸۱؛

- خالقی مطلق، «نگاهی تازه...»، ص ۱۲-۱۳؛

- خطیبی، ابوالفضل، آیا هجونا‌مه سروده فردوسی است؟، تهران: پردیس دانش، ۱۳۹۵ ش.

- همو، «واکاوی هجونا‌مه منسوب به فردوسی»، نامه فرهنگستان، س ۱۵، ش ۵۸، ۱۳۹۴ ش، ص ۱۲۶-۱۵۷.

^{۲۷}- Levey, Reuben, *The Epic of Kings*, London, ۱۹۶۷, p. ۱۹.

علم تاریخ و باستان‌شناسی به‌ویژه در بخش‌های اساطیری و پهلوانی مصداق ندارد؛ از این رو بهتر است *شاهنامه* را تاریخ اساطیری-داستانی ایران به‌شمار آورد نه تاریخ ایران.

در شناسنامه انگلیسی کتاب نام نویسنده به صورت A. Shapur Sahbazi و همین شکل در سایت انتشارات مزدا^{۲۸} و آمازون^{۲۹} آمده است. در سرشناسه چاپ هرمس Sahbazi, A. Shapur و «شاپور شهبازی، علیرضا» آمده است که صورت انگلیسی چاپ هرمس با سرشناسه اصلی همخوانی ندارد. از آنجا که نویسنده کتاب در مجامع علمی با نام اشهر شهبازی شناخته شده، بهتر است سرشناسه کتاب هم به صورت شهبازی، علیرضا شاپور بیاید.^{۳۰} حروف چینی کتاب در بخش فارسی و لاتین به‌دقت و زیبایی انجام شده است. کتاب، از طرح جلد ساده و متناسبی برخوردار است و در قطع رقعی به‌خوبی صحافی شده است. اندازه قلم در سرعنوان‌ها، متن، ابیات و زیرنویس‌ها مناسب و هماهنگ و صفحه‌آرایی کتاب زیباست. در کل، کتاب با نثری روان نگاشته و قواعد نگارشی و ویرایشی در آن به‌خوبی رعایت شده است. روش ارجاع نویسنده برپایه ارجاعات در زیرنویس است و کتاب‌نامه در دو بخش فارسی و لاتین تنظیم شده است.

از نظر آموزشی، این کتاب اثری جامع و کامل در بررسی تحلیلی زندگی فردوسی، زمانه و روزگار وی و شناخت ویژگی‌های شخصیتی، اعتقادی و آرمان‌های اوست و در بررسی *شاهنامه* اثری مختصر و مفید است. محتوای اثر به عنوان متنی تخصصی برای دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری زبان و ادبیات فارسی متناسب و مطابق با

^{۲۸} - www.MazdaPublishers.com

^{۲۹} - www.Amazon.com

^{۳۰} - نک: شهبازی، علیرضا شاپور، *تاریخ ساسانیان*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۹ ش.

سرفصل‌های آموزشی این رشته است که سطح علمی مخاطبان را پوشش داده و سیمایی کلی و دقیق از زندگانی فردوسی به آنان ارائه می‌کند.

نویسنده با طرح پرسش‌ها و ابهامات بسیار، بررسی رویدادهای افسانه‌ای و واقعی از زندگی این شاعر همراه با داوری و گزینش علمی، روشی پژوهشی در سراسر این کتاب ارائه کرده است که سبب شده کتاب از نظامی منطقی و انسجامی یکدست و پیوسته برخوردار شود. تحلیل‌های ارائه شده ازسوی شهبازی برپایه پیش‌فرض‌های علمی و پژوهشی استوار بوده و نقدهای وی بر اساس استنادات تاریخی و اشراف بر پیشینه پژوهش، بررسی علمی و بی‌طرفانه نظرات دیگران است. این روند آن‌قدر ادامه یافته تا نویسنده به نظر اجتهادی خود برسد. اگرچه تعریف از این روش کار دلیل بر تأیید تمام نظرات وی نیست.

از آنجا که شهبازی این کتاب را به زبان انگلیسی نوشته و از اصطلاحات تخصصی این زبان بهره برده است، معادل‌یابی برای آنها به عهده مترجم بوده که در برخی موارد جزئی در ترجمه و معادل‌سازی اصطلاحات تخصصی و فنی اشکالاتی دیده می‌شود، اما در کل مترجم به‌خوبی از عهده ترجمه برآمده و گذشته از موارد جزئی ایرادات مهمی در ترجمه وی دیده نمی‌شود.^{۳۱}

شهبازی از پژوهشگران امینی است که اصول اخلاقی و علمی را در ارجاع به منابع و پرداختن به پیشینه پژوهش به‌خوبی در کتاب خود رعایت کرده تا اثر وی از این نظر در درجه عالی قرارگیرد. نویسنده در پژوهش خود بدون تعصب و جانبداری ویژگی‌های ایرانی - اسلامی فردوسی را کاویده و آنها را با استنادات متنی و بیشتر با توجه به متن شاهنامه به

۳۱ - نک: آیدنلو، «سرگذشتی دقیق...»، ص ۳۸-۳۹.

خوانندگان معرفی کرده است. کار وی در بررسی زندگینامه تحلیلی فردوسی کاری روشمند همراه با خلاقیت، نوآوری و دسته‌بندی داده‌های اطلاعاتی است که این الگو از نگاه روش-شناختی می‌تواند در بررسی زندگینامه دیگر شاعران زبان فارسی نیز مورد توجه قرار گیرد. همه منابع مورد استفاده شهبازی کامل و معتبر و اشراف وی بر منابع تاریخی و پژوهشی تا زمان تألیف کتاب ستودنی است.

در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت که کار شهبازی اثری منحصر به فرد و یکی از منابع بسیار مهم در روش تحقیق و بررسی زندگینامه فردوسی است که از رویکرد آموزشی خوبی برخوردار است، اما در عین حال اثری مطلق و بدون ضعف نیست که برخی از این موارد در نقدهای نوشته شده بر این کتاب آمده است (نک: پانویس ش ۱). از برخی نمونه‌های دیگر که در این اثر قابل نقد است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- داوری‌های قاطع که نیاز به احتیاط بیشتری دارد؛ مثلاً درباره جعلی بودن هجوناومه (ص ۱۲۷-۱۳۳) یا روز دقیق به دنیا آمدن فردوسی (ص ۳۶-۴۱).

- برداشت‌های نادرست از متن شاهنامه: نویسنده، درباره کیومرث در شاهنامه آورده است: «به دنبال این مقدمه داستان نخستین انسان یعنی کیومرث روایت شده است» (ص ۱۳۹). گفتنی است که در پادشاهی کیومرث در شاهنامه سخنی از نخستین انسان بودن وی نیست^{۳۲} و فردوسی کیومرث را نخستین پادشاه خوانده است یا اینکه در صفحه ۱۷۳ آورده است: «فردوسی کیومرث را جایگزین حضرت آدم می‌کند»، درحالی‌که از بخش پادشاهی کیومرث

^{۳۲}- فردوسی تنها در بخش‌های پایانی شاهنامه بسیار کوتاه به این مطلب اشاره کرده‌است و پیوندی با آغاز شاهنامه ندارد.

نک: خالقی مطلق، جلال، گل رنجهای کهن، به‌کوشش علی دهباشی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۲ ش، «شاهنامه و موضوع نخستین انسان»، ص ۵۳-۱۰۴.

در آغاز شاهنامه چنین مطلبی دریافت نمی‌شود. این دریافت‌های شهبازی از متن شاهنامه با سخن وی در صفحات ۱۶۶-۱۶۷ در تناقض آشکار است؛ آنجا که می‌گوید: «... این تمایل وی [فردوسی] را وادار کرد که مطالب مذهبی را کنار بگذارد، مانند ... آفرینش کیومرث سایر مطالب مذهبی در اثر فردوسی به صورت تعدیل‌شده یا تغییریافته روایت شده است، مانند پیدایش نخستین انسان و ...».

- عدم مراجعه به منابع اصلی و اکتفا به ترجمه آن: وی در صفحه ۵۰ به نقل از ترجمه A. Guillaume از اثر ابن اسحق، *The Life of Mohammad, Oxford, 1955, p. 139* اصطلاح «افسانه‌های بی‌دینان» را آورده است. صورت درست این اصطلاح عبارت قرآنی «اساطیر الاولین» است که در سوره‌های انعام، ۲۵؛ انفال، ۳۱؛ نحل، ۳۴ آمده و مترجمان قدیم از جمله مترجمان تفسیر طبری^{۳۳}، ابوالفتح رازی^{۳۴}، رشیدالدین میبدی^{۳۵} و مترجمان جدید چون فولادوند^{۳۶} و مجتبوی^{۳۷} آن را «افسانه پیشینیان» ترجمه کرده‌اند. این عبارت در متن اصلی ابن اسحق^{۳۸} و نیز در ترجمه فارسی آن «اساطیر الاولین» (= افسانه

^{۳۳}- ترجمه تفسیر طبری، به کوشش حبیب یغمایی، تهران: توس، ۱۳۵۶ ش، ج ۲، ص ۴۳۹.
^{۳۴}- ابوالفتح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، تصحیح محمدجعفر یاحقی و محمدمهدی ناصح، مشهد، ۱۴۰۸ ق، ج ۷، ص ۲۵۱.
^{۳۵}- میبدی، ابوالفضل رشیدالدین، *کشف الاسرار و عده الابرار*، به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، تهران، ۱۳۶۱ ش، ج ۳، ص ۳۲۴.
^{۳۶}- قرآن کریم، ترجمه محمدمهدی فولادوند، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
^{۳۷}- قرآن کریم، ترجمه سید جلال الدین مجتبوی، تهران: حکمت، ۱۳۷۱ ش.
^{۳۸}- ابن هشام، عبدالملک بن هشام، *السیره النبویه*، تحقیق مصطفی السقا و ...، بیروت، بی تا، ج ۱، ص ۳۵۸، ۳۰۰.

پیشینیان)^{۳۹} آمده است، اما شهبازی برداشتی نادرست را از راه ترجمه وارد متن کرده است، درحالی که تبصر و تخصص وی در زبان عربی مثال‌زدنی است و ترجمه بخش ساسانیان تاریخ طبری از شاهکارهای اوست.

در پایان، پیشنهاد نگارنده برای تدریس کتاب *زندگینامه تحلیلی فردوسی* در دوره‌های تخصصی زبان و ادبیات فارسی آن است که مدرسان نقدهای نوشته شده بر این کتاب و نیز پژوهش‌های معتبر علمی انجام‌شده پس از شهبازی از جمله دو مقاله ارزشمند «نگاهی تازه به زندگینامه فردوسی» و «شاهنامه فردوسی» از جلال خالقی مطلق^{۴۰} را برای آگاهی بیشتر به دانشجویان معرفی کنند.

^{۳۹} ابن اسحق، سیرت رسول الله، ترجمه رفیع‌الدین اسحاق بن محمد همدانی، به کوشش جعفر مدرس صادقی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۳ ش، ص ۱۴۱، ۱۶۹، ۲۹۶.

^{۴۰} خالقی مطلق، جلال و ...، *فردوسی و شاهنامه‌سرایی*، (برگزیده مقالات دانشنامه زبان و ادب فارسی درباره فردوسی و شاهنامه)، تهران، ۱۳۹۰ ش، «فردوسی» [= «نگاهی تازه به زندگینامه فردوسی»]، ص ۱۲۳-۱۵۶؛ «شاهنامه فردوسی»، ۱۵۷-۲۸۰. نیز نک: *دانشنامه زبان و ادب فارسی*، به سرپرستی اسماعیل سعادت، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۸۴-۱۳۹۵ ش. ج ۴، ص ۱۳۳-۱۷۶؛ ۸۱۶-۸۲۶.